ما در دو جهان غیر حسین یار نداریم
جز عشق حسین هیچ دگر کار نداریم
عاشق به حسینیم و و حسین رهبر ماست
جز عشق حسین در دو جهان کار نداریم
مستیم به یک جرعه آن باده سرشار
ما غیر حسین ساقی و خمار نداریم
ما مست می جام حسینیم در این بزم
دیوانه حسینیم که هشیار نداریم
از سّر جنون عاقل و فرزانه چه داند
جز میر هدی محرم اسرار نداریم
باغیست گلزار حسین نیست خزانی
جز باغ حسین گلشن و گلزار نداریم
گلزار حسین دارد عجب عطر و صفایی
 گل هست در این باغ ولی خار نداریم
دم می زنیم از عشق ولای شه خوبان
غیر ازسخن عشق که گفتار نداریم
دلداه ی عشقیم که مجنون حسینیم
ما غیر حسین دلبر و دلدار نداریم
هو می کشیم از میکده عشق ولایش
ما قطره عشقیم که ذخار نداریم
عاشق به حسین زینب خونین جگرش بود
چون زینب دلگشته که بسیار نداریم
می ریزد عجب شهد از این طبع **« شهابی »**
ما هم به جز این شیوه گفتار نداریم